

بررسی نقش و جایگاه اقوام در ساختار دفاعی کشور^۱

سیدرضا نقیب‌السادات^۲، امیر حیات‌مقدم^۳، امیر قدسی^۴

تاریخ پذیرش: ۹۱/۱۱/۲۴

تاریخ دریافت: ۹۱/۴/۳۱

چکیده

در ج.ا.ایران، وجود اقوام در جهت تقویت ارزش‌های جامعه ایرانی، یک فرصت است. تحولات اجتماعی در کشور و تغییرات اجتماعی پس از جنگ تحمیلی، وضعیت جامعه قومی را با انتظارات خاصی برای مقابله با تهدیدهای دشمن مواجه ساخته است. این تحقیق با هدف شناخت وضعیت جامعه قومی و میزان همگرایی ایشان با حاکمیت در مقابله با تهدیدهای دشمن با رویکرد استفاده از فرصت تنوع اقوام در کشور انجام شده و یافته‌های پژوهش (مبتنی بر روش اسناد و مدارک علمی و پیمایش) از چهار قوم آذری، کرد، عرب و بلوچ، تصور نادرست واگرایی جامعه قومی و عدم همراهی و تعامل با مدیریت کلان کشور را نقض نموده و بر آمادگی جامعه قومی برای مقابله با دشمن تأکید دارد، در عین حال، جایگاه هر یک از اقوام و میزان تمایل به مشارکت در همگرایی با حاکمیت متفاوت است. مقاله حاضر بخشی از یافته‌های یک پژوهش در گستره ملی در مورد اقوام است که در نیمه دوم سال ۱۳۸۹ و نیمه اول سال ۱۳۹۰ اجرا شده و در ابتدای سال ۱۳۹۱ تحلیل‌ها و گزارش نهایی ارائه شده است.

واژگان کلیدی: اقوام ج.ا.ایران، حاکمیت، همگرایی، واگرایی، چالش‌ها و ظرفیت‌ها.

۱. مقاله حاضر، مستخرج از طرح پژوهشی اجرا شده در مرکز تحقیقات راهبردی دفاعی می‌باشد.

۲. عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبایی naghibusadat@yahoo.com

۳. کارشناس ارشد مسائل سیاسی - دفاعی و مدرس دانشگاه

۴. دکترای مطالعات فرهنگی دانشگاه امام حسین(ع)، پژوهشگر و مدرس دانشگاه

۱. کلیات

واژه و اصطلاح «قوم» و «قومیت» کاربردهای متعدد دارد. در برخی موارد، «قوم» به معنای گروه، دسته و جمع به کار می‌رود، در برخی موارد، معادل فامیل و خویشاوند تلقی می‌گردد و در برخی دیگر، به معنای جامعه و یا واحدی از جامعه است که دارای زبان، نژاد، قومیت و فرهنگ واحدی می‌باشد که در بستر تاریخ به مرور شکل گرفته و دارای آداب و سنن و ارتباط‌های اجتماعی تعریف شده‌ای هستند.

«قومیت» نیز، گاهی معادل جامعه و گاهی به معنای پیروان یک دین به کار برده می‌شود، مانند آنچه که مرحوم آیت‌الله نائینی (ره) در کتاب «تنبیه‌الامه و تنزیه‌المله» به کار برده است و گاهی هم قومیت به مفهوم مدنیت و اجتماعی به کار رفته است.

شناخت اقوام در بررسی نقش‌های آنها نکته‌ای اساسی است. وضعیت کنونی اقوام نشان می‌دهد که ایران کشوری پهناور با تنوع قومی و مذهبی و ملت واحدی مرکب از تنوع‌ها و تکثرهاست؛ با منافع و آرمان مشترک که آنها را به هم پیوند داده است. کشور و ملت ایران در حیات تاریخی خود، الگوی «وحدت در عین کثرت» بوده و می‌باشد.

۱-۱. بیان مسئله

تنوع قومیتی، به‌عنوان یک واقعیت تاریخی - سیاسی، همواره با جغرافیای سیاسی ایران پیوند خورده و ایران به‌لحاظ تنوع زبانی و قومی جزو ده کشور نخست جهان قرار دارد (قدسی، ۱۳۸۹: ۲۵). حضور و زندگی قومیت‌های مختلف فارس، ترک، کرد، لر، بلوچ، ترکمن و عرب در جوار یکدیگر و در چارچوب جغرافیای سیاسی واحد، بیانگر تنوع قومی - فرهنگی جامعه ایران است.

توجه به اقوام و ویژگی‌های قومی، در کنار نقش بازدارندگی آنها در برابر دشمن، همواره به‌عنوان یک سیاست دفاعی، پس از دفاع مقدس مورد توجه مسئولان بوده است. شرایط کنونی منازعه‌ها در جهان و درگیری‌های پدیدار شده در منطقه نشان

می‌دهد که نوع درگیری و جنگ آینده، از نوع جنگ‌های ناهمگون است و در این گونه جنگ‌ها، مکان جغرافیایی و افراد ساکن در آن، برای مقابله با دشمن، ارزشی انکارناپذیر دارد و شرط موفقیت در این جنگ‌ها، توسعه نقش افراد ساکن در این مناطق، از جمله اقوام است.

در این رویکرد، هر قوم می‌تواند با توجه به منطقه جغرافیایی و محل استقرار خود، مسئولیت‌ها و نقش‌هایی را بر عهده گیرد، اما موقعیت اقوام به لحاظ نوع ارتباط با حاکمیت، باور ایشان نسبت به موقعیت کنونی یا آینده در سرزمین ایران، نوع تعامل (در مناطق مرزی) با همسایگان و... از نکاتی است که عملکردهای گوناگونی را به لحاظ مسئولیتی رقم می‌زند. در مفهوم قومیت، تعلق به یک گروه قومی، شامل آگاهی نسبت به ریشه‌ها و سنت‌های تاریخی و مشترک و ترکیب پیچیده ویژگی‌های فرهنگی، نژادی و تاریخی مطرح است و هنگامی که «خودآگاهی» نیز وارد این تعریف شود، جنبه قوم‌گرایی می‌یابد؛ به عبارتی، قوم‌گرایی را می‌توان این گونه تعریف کرد: احساس منشأ مشترک (خیالی یا واقعی)، سرنوشت مشترک، انحصار نسبی ارزش‌های مشترک که به سبب تقسیم‌بندی جوامع، به خانواده‌های سیاسی مجزا می‌شود.

فرایندهای دنیای امروز مانند جهانی‌سازی و جهانی‌شدن، مسئله قومیت را با دشواری مواجه ساخته است. فرایند یادشده، جوامع چندقومی را با فرصت‌ها و تهدیدهایی مواجه نموده که عدم مدیریت صحیح آن می‌تواند بحران‌هایی را در این جوامع به منصه ظهور رساند. به عبارتی، بسته به نوع تعامل حاکمیت با اقوام، واکنش اقوام در همراهی با حاکمیت در مواقع بحران و یا جنگ متفاوت خواهد بود. از سویی، ترکیب جمعیت ایران به گونه‌ای است که اطلاق جامعه چندقومی به آن چندان دور از واقعیت نیست. همزیستی قومیت‌های مختلف فارس، تُرک، کُرد، لُر، بلوچ، ترکمن و عرب در جوار یکدیگر و در چارچوب جغرافیای سیاسی واحد بیانگر تنوع قومی -

فرهنگی جامعه ایران است و تجربیات موجود بیانگر آن است که رفتارهای قومی، تابع شرایط و تحت تأثیر عوامل متعدد بوده و واکنش آنها در قبال تحولات، یکسان نیست. مرزنشین بودن بیشتر اقوام ایرانی نیز ممکن است آنها را مستعد واکنش‌های گوناگون در شرایط بحران نماید. از این رو، در صورتی که اقوام، پیگیر مطالبه‌های قومی خود بوده یا نسبت به سرزمین خود بی تفاوت باشند، باعث ایجاد گسست و تضعیف سپر دفاعی مقابله با دشمن خواهند شد؛ به ویژه، در صورت وقوع شرایط بحرانی همچون جنگ که به احتمال فراوان به شکل ناهمگون خواهد بود، که در این صورت، قومیت‌ها می‌توانند نقش مقابله‌ای موردی یا همه‌جانبه ایفا کنند. به عبارت دیگر، حضور مردم در چنین جنگی، عاملی اساسی و تعیین کننده است.

در جنگ‌های ناهمگون، باید همه جامعه با دشمن مقابله کند، بنابراین، برای ایجاد انسجام و جلوگیری از گسست باید به دنبال جلب مشارکت بیشتر اقوام بود. نگاهی به فرمایش‌های مقام معظم رهبری و تذکرهای ایشان در خصوص حفظ سرزمین و همبستگی، نشان از اهمیت این موضوع دارد. ایشان در دیدار تابستان ۱۳۸۸ از استان کردستان می‌فرمایند: «یک سیاست خبثت‌آلودی از آغاز انقلاب سعی کرد اقوام ایرانی را از یکدیگر جدا کند و با بهانه‌های مختلف، پیکره عظیم ملت ایران را تکه تکه کند. با هر قومی از اقوام متنوع ایرانی - فارس، تُرک، کُرد، عرب، بلوچ، ترکمن، لُر - جداگانه یک تلقین شیطانی را در میان می‌گذاشتند تا دل‌ها را از هم چرکین کنند.»

این امر با توجه به احتمال جنگ آینده نشان می‌دهد که ج.ا.ایران باید پدافند خود را در عمق توسعه دهد و این امر نیز حکایت از برجستگی بیشتر نقش اقوام برای دفاع و مقابله با دشمن دارد. در این رویکرد، اقوام به‌عنوان یک پدیده مثبت و پشتیبان نیروهای مسلح، و یک مجموعه مردمی قلمداد می‌گردند؛ مانند نقشی که در دوران دفاع مقدس در دفاع از کیان و حیثیت کشور ایفا نمودند. با این وصف، تأکید بررسی این نقش در پژوهش حاضر بر اقوام بزرگ کشور یعنی آذری، کُرد، بلوچ و عرب است.

۱-۲. ضرورت و اهمیت موضوع

نگاهی تاریخی به اقوام نشان می‌دهد که تعامل اقوام با حاکمیت همواره با شیوه‌های مختلف ارتباطی و راهبردهای مختلف تعاملی همراه بوده است. هر کشوری بنا به شرایط سیاسی و اجتماعی خود، در اتخاذ سیاست‌های قومی برنامه‌ریزی‌هایی دارد و می‌توان با مطالعه سیاست قومی، به رویکردها و راهبردهای حکومتی آن کشور دست یافت، اما با هر سیاست قومی، شناخت و پیش‌بینی رفتارهای احتمالی اقوام به‌ویژه در شرایط بحرانی برای هر حاکمیتی، برای اداره و واپایش بحران، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است.

عدم شناخت و توجه به نقش و کارکرد اقوام در شرایط بیان شده، دستگاه حاکمیت سیاسی را با غفلت راهبردی مواجه می‌سازد و چه بسا در انتخاب رهنامه دفاعی خویش، چگونگی تعامل با آنها را منظور ننموده و در هنگام عمل، قادر به انتخاب و اعمال راهبرد بهینه نباشد.

بررسی تاریخ سیاسی و اجتماعی جوامع بشری نشان می‌دهد که در تمامی کشورها مسئله قومیت با درجات متفاوت وجود داشته و گروه‌های قومی و مذهبی به‌عنوان اقلیت یا اکثریت در بیشتر کشورها وجود دارند که با پیشینه فرهنگی و تاریخی مشترک و ویژگی‌هایی مانند نژاد، زبان، فرهنگ و آداب و رسوم و احساس هویت مشترک مشخص می‌گردند. این تمایزها می‌تواند بر شکل‌گیری رفتارهای واگرایانه تأثیر گذارد و بر همین اساس، قومیت‌ها به‌عنوان یکی از مسائل مهم دولت‌ها محسوب می‌شوند. بنابراین، از دو جنبه بر ضرورت و اهمیت تأکید می‌شود:

(۱) ضرورت و اهمیت نظری: به‌معنی شناسایی زمینه‌های مورد توجه در نزد اقوام

برای همگرایی و مشارکت بیشتر با حاکمیت،

(۲) ضرورت و اهمیت عملی یا اجتماعی: از این جنبه می‌توان با توجه به جایگاه کسب

شده در زمینه پیشین، به شناخت عینی از موقعیت کنونی اقوام و توان مقابله‌ای ایشان با دشمن در صورت بروز بحران، به‌عنوان یک سیاست دفاعی عملگرایانه دست یافت.

۱-۳. پرسش‌های تحقیق

پرسش‌های این تحقیق عبارتند از اینکه: اقوام اصلی کشور در مواقع بحران چه نقشی ایفا می‌نمایند؟ در این راستا، چه متغیرها و مفاهیمی باید مورد توجه قرار گیرد؟ نقش‌ها و مسئولیت‌ها چیست؟ به چه امکاناتی نیاز است؟ چه الزام‌هایی بر آن مترتب است؟ چه فعالیت‌هایی برای جلب مشارکت ایشان باید انجام شود؟ و راهبردهای مقتضی برای این فعالیت کدامند؟

۱-۴. هدف‌های تحقیق

۱-۴-۱. هدف کلی

شناخت وضعیت جامعه قومی و میزان همگرایی ایشان با حاکمیت در مقابله با تهدیدهای دشمن با رویکرد استفاده از فرصت تنوع اقوام در کشور.

۱-۴-۲. هدف‌های فرعی

- (۱) شناخت وضعیت موجود جامعه قومی کشور با تأکید بر چهار قوم آذری، عرب، بلوچ و کُرد.
- (۲) شناخت میزان همگرایی یا واگرایی هر یک از اقوام با حاکمیت، (شناخت سطح مشارکت اقوام در عرصه‌های ملی - میهنی و دفاعی).
- (۳) شناخت میزان علاقه به مشارکت در رفع بحران و مقابله با دشمن.
- (۴) شناخت میزان تعهد ملی اقوام در مقابله با دشمن.
- (۵) شناخت میزان تعلق ملی اقوام در مقابله با دشمن.

۱-۵. روش تحقیق

در این تحقیق از روش بررسی اسناد و مدارک علمی^۱ با شیوه فیش برداری توصیفی و نیز روش پیمایشی^۲ با شیوه پرسشنامه استفاده شده است. روش های تحقیق بیان شده در اینجا، بخشی از روش های به کار گرفته شده در مورد آحاد جامعه قومی است که متناسب با جمعیت و دقت مورد انتظار انتخاب شده است. جامعه آماری این پژوهش، جمعیت اقوام تُرک، گُرد، عرب و بلوچ بالای ۱۸ و زیر ۷۰ سال است.

حجم نمونه این بررسی براساس فرمول برآورد حجم نمونه کوکران محاسبه خواهد شد:

$$n = \frac{t^2 \cdot p \cdot q}{d^2} = 384$$

$$1 + \frac{t^2 \cdot p \cdot q}{N \cdot d^2} - 1$$

با توجه به ضرورت قابلیت تعمیم یافته ها برای همه اقوام و درستی اطلاعات برای تدوین راهبرد، بر اساس فرمول برآورد حجم نمونه کوکران، جمعیت نمونه در هر یک از اقوام از ۴۰۰ نمونه نباید کمتر باشد. این حجم با ۵٪ خطا و ۹۵٪ اطمینان، محاسبه شده است. (حجم نمونه بر اساس چهار قوم، ۱۶۰۰ نفر در نظر گرفته شده است) روش نمونه گیری این پژوهش (بخش روش پیمایشی)، نمونه گیری تلفیقی (تلفیق روش یا طرح نمونه گیری احتمالی و روش و طرح نمونه گیری نااحتمالی) با دو شیوه خوشه ای چنددرجه ای و روش (تکنیک) سهمیه ای خواهد بود.

1. Archival Method & Documents
2. Survey Method

با توجه به پراکندگی جغرافیایی جمعیت اقوام در کشور و مناطق دائمی اسکان ایشان، استان‌های آذربایجان شرقی، کردستان، سیستان و بلوچستان و خوزستان در قلمرو مکانی تحقیق قرار دارند.

برای سنجش اعتبار ابزار از هر دو شیوه اعتبارسنجی صوری و سازه‌ای بهره‌برداری خواهد شد.

سطح توصیف و تحلیل اطلاعات، در دو سطح خرد و کلان خواهد بود. همچنین در این پژوهش از روش‌های توصیفی و تحلیلی (با استفاده از آمار استنباطی) برای تجزیه و تحلیل اطلاعات بهره‌برداری خواهد شد.

۶-۱. محدودیت‌های پژوهش

محدودیت اصلی این پژوهش، دسترسی به عناصر جامعه آماری در انتهای سال ۱۳۸۸ بود و به لحاظ قشربندی و لایه‌بندی جمعیت منجر به استفاده از نیروی انسانی بیشتر برای پرسشگری شد.

۲. ویژگی‌های اساسی اقوام در ایران

در ایران اگرچه فارسی‌زبانان با بیش از ۶۰ درصد جمعیت، اکثریت مردم کشور هستند، ولی وجود شش قومیت عمده در درون این واحد ملی و تأثیرهای گسترده آنها به واسطه تحولات تاریخی، واقعیت مشهودی است که می‌تواند مبنای پیش‌بینی وضعیت آینده امنیتی کشور قرار گیرد. بر این اساس، ویژگی‌های اقوام برجسته ایران به شکل مختصر به شرح زیر است:

(۱) قوم آذری. بزرگ‌ترین اقلیت قومی در ایران، آذری‌زبانان هستند و چهار استان اردبیل، آذربایجان شرقی و غربی و زنجان حوزه اصلی اسکان آنها شناخته می‌شوند. با

توجه به وضعیت به نسبت خوب اقتصادی منطقه، عوامل مادی به عنوان منشأ بحران‌های قومی در این منطقه تلقی نمی‌گردد. به‌طور کلی آذری‌ها از حس ملی‌گرایی بالایی در قبال ایران برخوردارند که می‌توان نمونه آن را در قیام شیخ محمد خیابانی در سال ۱۲۹۸ مشاهده کرد که در متن این جنبش، مطالبه‌های قومی، جایگاهی پیدا نکرد. در مقاطع دیگر تاریخ ایران، تُرک‌ها به آرمان‌های ملی - مذهبی مانند مشروطه نیز از خود احساس تعلق نشان داده و همگام با سایر شهروندان تا مرحله درگیری با دولت مرکزی پیش رفته‌اند (افتخاری، ۱۳۷۸).

(۲) قوم کُرد. جمعیت کُرد بیشتر در آذربایجان غربی، کرمانشاه، همدان، کردستان و شمال خراسان ساکن می‌باشند و ضریب پراکندگی کمتری نسبت به آذری‌ها دارند. این قوم، زمینه مناسب‌تری برای فعال شدن گسست کُرد - فارس دارد. از جمله دلایل این موضوع، می‌توان به تمرکز جمعیتی در یک منطقه کوچک و مشخص، امکانات محدود اقتصادی، بهداشتی و آموزشی، موقعیت جغرافیایی در کنار مرز دو کشور با تشابه قومی و محلی، انزوای سیاسی و حضور کم‌رنگ نخبگان سیاسی - اجتماعی و ملاحظه‌های مذهبی (اکثریت سنی مذهب) اشاره کرد. همچنین، می‌توان به همجواری این قوم با شمال عراق، جنوب شرق ترکیه و شرق سوریه اشاره کرد که در نتیجه، کردستان ایران از تنش‌ها و گرایش‌های سیاسی این قومیت در منطقه تأثیر می‌پذیرد. موضوع دیگر، زبان کُردی است که از شاخه‌های زبان ایرانی می‌باشد، اما گویش‌های کُردی مختلف مانع از یک زبان سراسری واحد است. امروزه زبان کُردی، محور جنبش‌های کُردی است. اگرچه از نظر نژادی نمی‌توانند اصل آریایی و ایرانی بودن کُردها را منکر شد (افتخاری، ۱۳۷۸).

(۳) قوم بلوچ. بلوچ‌های ایران بیشتر در استان سیستان و بلوچستان مستقر شده‌اند. بیشتر مردمان این قوم، سنی مذهب هستند. شکاف‌های مذهبی و قومی و همجواری با بلوچ‌های پاکستان و افغانستان تأثیر محسوسی در ظهور گرایش‌های سیاسی از نوع تمرکزگیزی اقوام بلوچ بر جای گذاشته است. از نمونه این حوادث و گرایش‌ها

می‌توان به مواردی مانند سرکوب اقوام بلوچ به دست رضاشاه در سال ۱۳۰۶، شورش‌های محلی طوایف مختلف اقوام بلوچ در سال‌های ۱۳۱۰ تا ۱۳۱۳ و ظهور حزب دموکراتیک بلوچستان در سال ۱۳۵۴ تحت عنوان جبهه ملی خلق ایران که فرجام آن با درگیری و خشونت بسته شد، اشاره کرد. در نمونه دیگر می‌توان به درگیری گروه پیشمرگ بلوچ با دولت انقلابی ایران که منجر به فروپاشی گروه شد، استناد کرد که پرونده این تحركات خشن قوم بلوچ در نهایت، با درگیری سال‌های ۱۳۷۱ تا ۱۳۷۴ بسته شد. در مجموع، مسئله همجواری استان سیستان و بلوچستان به عنوان مرکز اسکان قوم بلوچ در ایران با کشور پاکستان در کنار مشکلات اقتصادی می‌تواند در فعال‌سازی بحران‌های قومی مؤثر باشد؛ اگرچه از نظر نژادی و زبانی، فرهنگ آنها ایرانی به شمار می‌رود (افتخاری، ۱۳۷۸).

(۴) قوم عرب. اعراب به لحاظ جغرافیایی در جنوب غربی ایران اسکان یافته‌اند. رخداد انقلاب اسلامی و گفتمان انقلابی موجب طرح گرایش‌های ملی‌گرایی عربی و گسترش آن گردید، اما وقوع جنگ تحمیلی، مطالبه‌های قوم‌گرایانه، آنها را برای مدتی به حاشیه بُرد و گرایش به سمت انسجام ملی را در آنها تحریک کرد؛ ضمن اینکه در سال‌های بعد، بهبود وضعیت اقتصادی اعراب و تعلقات دینی آنها که بیشتر شیعه هستند، موجب کاهش فعالیت قومی آنها شد؛ به گونه‌ای که می‌توان سیاست همسویی قوم عرب با دولت مرکزی ایران را شاهد بود و در عین حال، می‌توان زمینه‌های آسیب‌پذیری و تحركات قوم‌گرایانه اعراب ایران را در مراحل مختلف پیش‌بینی کرد. برای نمونه، می‌توان به چالش‌های ناشی از جنگ و بیکاری و جمعیت جوان عرب کشور در مقایسه با وضعیت اقتصادی اعراب منطقه اشاره کرد که در جایگاه خود می‌تواند موجب بازتولید گرایش‌های قومی در سطح منطقه گردد (افتخاری، ۱۳۷۸). ضمن اینکه، همجواری این قوم با اعراب که تابع اصل گرایش اقلیت به اکثریت همسو می‌باشد، می‌تواند در تشدید وضعیت ملی‌گرایی قومی مؤثر واقع گردد. در مجموع، از

نظر تاریخی غیر از بحران شیخ خزعل - متأثر از ملی‌گرایی عربی با تحریک انگلستان - بحران خاص و مهمی در این قوم دیده نمی‌شود. در دوران معاصر، واقعیت، احیای هویت ملی و مذهبی واحد و عدم فعالیت گسست عرب - فارس می‌باشد. در این میان، آرمان‌های شیعه و ملی ج.ا.ایران بسیاری از کلیشه‌های حاشیه‌ای پیرامون ملی‌گرایی افراطی را خنثی می‌سازد (قیصری، ۱۳۷۷).

هوشنگ امیراحمدی (۱۳۷۷)، در مقاله خود با عنوان «قومیت و امنیت» بیان می‌دارد که باوجود شکل‌گیری جنبش‌های قومی در ایران و نقش آنها در بحران‌های سیاسی و اقتصادی، امروزه اجزا و عوامل شکل‌گیری این جنبش‌ها تا حدود زیادی از بین رفته و بنابراین، خطری برای امنیت ملی ایران به شمار نمی‌آیند. به عبارتی، اجزای مؤثر بر شکل‌گیری جنبش‌های قومی در ایران وجود ندارد. از لحاظ سیاسی، قدرت حکومت مرکزی، بیشتر از قدرت گروه‌های قومی است. از لحاظ اقتصادی، دسترسی دولت به منابع عظیم اقتصادی، طبیعی، صنعتی و مالی نیز در عمل، رکن دوم جنبش‌های قومی را از بین برده است و از لحاظ فرهنگی نیز همسانی رو به رشد، فرهنگ‌های پیرامونی با فرهنگ مرکزی باعث شده که توان گریز از مرکز اقوام جای خود را به ادغام (در مرکز) بدهد.

۳. چارچوب نظری

اگر پیشینه سنتی موضوع، مدنظر قرار گیرد، نخست باید اذعان نمود که در جامعه‌شناسی، بحث وفاق اجتماعی در رابطه با نظم اجتماعی مطرح می‌شود. در این راستا، نظرات آگوست کنت - جامعه‌شناس شهیر فرانسوی - در محدوده پیشینه تاریخی موضوع، قابل تبیین می‌باشد. وی جامعه را به دو قسمت ایستا و پویا تقسیم می‌نماید. در جامعه‌شناسی، مفهوم کلیدی، عوامل اجماع است که شامل عناصری است که موجبات انسجام و وفاق اجتماعی را فراهم می‌سازد.

اگوست کنت، عوامل اجماع را در سه مقوله «مذهب، زبان و نظام تقسیم کار» تبیین می‌نماید. وی معتقد بود، باید تمام مذاهب و گروه‌های مختلف، تحت تأثیر یک مذهب جامع، مسلط و واحد قرار گیرد و البته منظور او از مذهب، مذهب فرامادی (متافیزیکی) نبود. او مذهب را به‌مثابه راه و روشی می‌دانست که همه مردم، زندگی‌شان را بر اساس و مبنای آن پایه‌ریزی می‌کنند. بنابراین، مذهب از نظر وی یک مفهوم فیزیکی دارد که به آن، نام مذهب مدنی یا شهری و اجتماعی می‌دهد. عامل دومی که نام می‌برد، زبان است. از نظر او، باید زبان مشترکی بر تمامی مردم حاکم باشد، تا مانع از اختلاف و باعث حفظ انسجام شود. در نهایت، عامل سوم را نظام تقسیم کار می‌دانست؛ به آن معنا که افراد جامعه بر اساس قراردادهای توافق شده، به دنبال دستیابی به هدف‌هایی هستند و برای رسیدن به این هدف‌ها باید اجزا و عناصر یک نظام، کارها و وظایفی را در رابطه با یکدیگر و همچنین در ارتباط با کل انجام دهند تا به این ترتیب، امنیت جامعه، انسجام و ثبات آن، که مهم‌ترین هدف‌ها محسوب می‌شوند، محقق گردد، در چنین شرایطی، ناگزیر، قانون به وجود می‌آید و تقسیم کار حاصل می‌شود (تهایی، ۱۳۷۱).

۴. یافته‌ها

یافته‌های تحقیق جامعه‌قومی، از حیث همگرایی و واگرایی بر زمینه‌های زیر تأکید داشته است:

۴-۱. یافته‌های نظری

سرزمین ایران به پنج قوم اصلی آذری، کُرد، بلوچ، عرب و فارس تقسیم می‌شود. این اقوام در مبارزات منجر به پیروزی انقلاب اسلامی و برهه هشت سال جنگ تحمیلی، سهم بسزایی داشته که در ادامه به این نقش‌ها پرداخته می‌شود.

۱-۱-۴. قوم‌گرد

اقوام‌گرد در تاریخ ایران از سابقه طولانی برخوردارند و از اقوام اصیل ایرانی محسوب می‌شوند و سال‌هاست در این سرزمین، در کنار دیگر ایرانیان زندگی کرده‌اند. مردم‌گرد ایران تا زمان قاجاریه مشکل و مسئله جدی برای حکومت مرکزی به وجود نیاورده‌اند. در اواخر حکومت قاجار و آغاز حکومت کمونیستی شوروی این کشور برای رسیدن به هدف‌های سلطه‌جویانه خود در ایران دست به تشکیل حزب کمونیست ایران زد و بر همین اساس، در سال ۱۲۹۹، جنبش جدایی طلب سمیتقو در کردستان شکل گرفت. رهبر این جنبش اسماعیل آقا سمیتقو، دارای ماهیت راستگرا و جدایی طلب بود. فعالیت این جنبش تا پنج سال ادامه داشت، اما به دلیل عدم حمایت مردمی از حکومت مرکزی شکست خورد. پس از شکست جنبش سمیتقو و استیلای رضاخان بر ایران و ممنوعیت فعالیت کمونیسم، هیچ گونه ادعای خودمختاری و چپ‌گرایی مطرح نبود، اما همزمان با پایان جنگ جهانی دوم و در شهریور ۱۳۲۰ که رضاخان از اریکه سلطنت به زیر کشیده شد، با ورود نیروهای متفقین به ایران، ادعاهای جدایی طلبی و خودمختاری آغاز شد.

حزب دمکرات و کومله با ماهیت چپ‌گرایانه و با طرح ادعای خودمختاری و جدایی طلبی، فعال شد و پس از به دست آوردن توفیقاتی، خودمختاری جمهوری مهاباد را اعلام نمود و این شهر را به پایتختی خود برگزید. در نهایت، این جمهوری در مواجهه با دولت مرکزی شکست خورد و بسیاری از سران آن اعدام شدند. با اعدام قاضی محمد در سال ۱۳۲۶ این جمهوری منحل شد، اما حزب دمکرات و کومله به حیات خود ادامه داد. تنها در زمان نخست‌وزیری مصدق با تلاش حزب توده، حزب دمکرات کردستان فعال گردید و با سقوط مصدق و دستگیری سران حزب توده، فعالیت این حزب نیز معلق شد. با پیروزی انقلاب اسلامی و ضعف دولت مرکزی ایران، فرصتی دیگر برای دمکرات‌ها به وجود آمد تا باز هم به حرکت دهه ۱۳۲۰ خود ادامه داده و فریاد

جدایی طلبی سر دهند. احزاب و گروه‌های ضدانقلاب گردی از بی‌نظمی به وجود آمده در ارتش، شهربانی و ژاندارمری سوءاستفاده کرده و اغتشاش‌های گسترده‌ای را در سال‌های ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۰ با کمک‌های تسلیحاتی عراق به وجود آوردند که با درایت رهبری و جانفشانی‌ها و رشادت نیروهای بسیج و سپاه و ارتش، بار دیگر حاکمیت دولت مرکزی جمهوری اسلامی ایران بر این مناطق تثبیت شد.

۲-۱-۴. قوم عرب

از دیگر اقوام ساکن در سرزمین ایران، قوم عرب می‌باشد که نزدیک به ۴۷ درصد جمعیت استان خوزستان را شامل شده و طبق فرهنگ و آداب و رسوم خود رفتار می‌کنند. به سبب وجود ذخایر عظیم نفتی در استان خوزستان، انگلیسی‌ها از دیرباز توجه خاصی به این قسمت از کشور داشته و در اواخر حکومت قاجار، در صدد جدا کردن این قسمت از خاک ایران بودند. جنبش قومی شیخ خزعل، مهم‌ترین تحرک قومی در آن زمان محسوب می‌شد که دولت انگلستان برای رسیدن به هدف‌های خود از این جنبش استفاده می‌کرد.

انگلیسی‌ها با سوءاستفاده از تعصب قومی در منطقه خوزستان و دامن زدن به آن، به تقویت سیاست پان‌عربیسم پرداخته و در اواخر حکومت قاجار، قائله‌ای با عنوان خلق عرب را به سرکردگی شیخ خزعل ایجاد نمودند، اما با به قدرت رسیدن رضاخان و تغییر راهبرد انگلستان، حمایت از شیخ خزعل قطع شد و در یک برنامه هماهنگ، وی را در برابر رضاخان قربانی کردند. پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، آمریکا و انگلیس باز هم به جریان خلق عرب روی آورده تا از ملی‌گرایی قومی، به‌ویژه سیاست پان‌عربیسم برای به چالش کشاندن انقلاب ایران استفاده کنند. به همین علت، در سال‌های اولیه پیروزی انقلاب، منطقه خوزستان شاهد تحرکات جنبش دمکراتیک خلق عرب بود. این جنبش با شعار آزادسازی خلق عرب ایران فعال شد و به دنبال آن، رژیم

بعث عراق که در تدارک حمله به ایران بود با فرصت‌طلبی، با شیوخ قبایل مرتبط شد. جنبش دمکراتیک خلق عرب در سال‌های جنگ تحمیلی، نقش ستون پنجم را برای ارتش عراق ایفا کرد، اما به دلیل نداشتن پایگاه مردمی و در مانده شدن ارتش عراق، سران جنبش به کشور عراق فراری و در آنجا پناهنده شدند. با آغاز جنگ تحمیلی، مردم عرب خوزستان، دوشادوش سایر مردم و اقوام وارد جنگ شده و تا پایان جنگ، مردانه از خاک کشور دفاع کردند.

۳-۱-۴. قوم آذری

آذری‌زبان‌های ایران از اقوام اصیل ایرانی بوده و در اعصار مختلف، به‌ویژه در جریان مشروطیت و پس از آن، نقش مهمی در وقایع تاریخی ایران داشته‌اند. در اوایل قرن بیستم در این خطه مانند کردستان، سخن از خودمختاری و جدایی‌طلبی با ایده آذربایجان بزرگ مطرح شد. این ایده در راستای رؤیای دیرین حزب مساوات در عثمانی بود که با وحدت مناطق آذری‌نشین ایران با آذری‌های شمال رود ارس دست به تشکیل آذربایجان بزرگ بزنند، اما با شکست حزب مساوات در ترکیه و تسلط بلژیکی‌ها بر بخشی از قفقاز، این رؤیا تحقق نیافت.

اولین تجربه تأسیس حزب کمونیست در ایران در آذربایجان به‌دست آمد. اولین حزب کمونیست ایران در محله صابونچی واقع در باکو تحت عنوان حزب عدالت در ماه مه ۱۹۱۷ برابر با سال ۱۲۹۹ ه.ش فعالیت خود را آغاز نمود. با شکست حزب عدالت، روس‌ها نقشه انقلاب ملی را در آذربایجان مطرح کردند. برای طرح این نقشه شوروی‌ها از دبیر اول حزب کمونیست آذربایجان شوروی به نام میرجعفر باقروف استفاده کردند و برای عملی ساختن ایده آذربایجان بزرگ و انقلاب ملی در ایران، جعفر پیشه‌وری به‌عنوان دبیر اول حزب کمونیست ایران انتخاب شد. پیشه‌وری در سال ۱۳۰۹ به زندان افتاد و سپس در شهریور ۱۳۲۰ از زندان رها شده و به کار انتشار

روزنامه آذیر و نشر تاریخ حزب عدالت اقدام کرد. پیشه‌وری توانست با کمک شوروی بخش‌های عمده‌ای از آذربایجان را به تصرف خود درآورده و اعلام خودمختاری کند، اما پس از مصالحه رضاخان با روس‌ها و ترک آذربایجان از سوی ارتش شوروی در سال ۱۳۲۵، ارتش ایران توانست با آزادسازی شهرهای اشغال شده، قائله آذربایجان را خاتمه دهد. از آن تاریخ نیز در آذربایجان نه تنها فعالیت تجزیه‌طلبانه مشاهده نشد، که آذربایجان بیش از سایر نقاط ایران از نهضت‌هایی ملی مانند نهضت دکتر مصدق حمایت کرد و در جریان پیروزی انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی نیز سهم بسزایی در دفاع از کیان این سرزمین به خود اختصاص داد.

۴-۱-۴. قوم بلوچ

یکی دیگر از اقوام ایرانی که در این سرزمین، سابقه‌ای طولانی دارند، قوم بلوچ در استان سیستان و بلوچستان است. این استان هم‌مرز با کشورهای پاکستان و افغانستان بوده و از جنوب، سواحل دریای عمان را در بر می‌گیرد. هر دو قوم (سیستانی‌ها و بلوچ‌ها)، دارای اصالتی ایرانی می‌باشند. سیستانی‌ها بیشتر شیعه و بلوچ‌ها بیشتر سنی مذهب هستند. سیستانی‌ها از اصیل‌ترین اقوام آریایی می‌باشند و زبانشان ریشه در زبان فارسی دارد، اما در مورد بلوچ‌ها اختلاف نظر وجود دارد. برخی ایشان را از اقوام آریایی و برخی معتقد به اصالت عربی آنها هستند.

سیستان و بلوچستان نیز در مقاطعی از تاریخ شاهد تحركات و فعالیت‌های جدایی‌خواهانه بوده است، از جمله در پایان جنگ جهانی دوم و آغاز سلطنت رضاخان که دوست محمدخان در این منطقه، اقدام به طغیان کرده و قصد جدا نمودن این منطقه از ایران را داشت که با اعدام او، این منطقه تا سال ۱۳۴۳ آرام بود و در این سال، جبهه آزادی‌بخش بلوچستان به سرکردگی جمعه‌خان شکل گرفت. او با چند حمله به مراکز دولتی و نظامی موفقیت‌هایی به دست آورد، ولی در نهایت، این جنبش در سال ۱۳۵۰ از

هم پاشیده شد. در دهه ۱۳۴۰ نیز حزب دمکراتیک بلوچستان در بغداد تشکیل شد که شاخه بلوچی جبهه ملی خلق ایران و ائتلافی از اعضای حزب توده بود. این حزب خواستار تقسیم مجدد استان‌ها و استفاده از زبان بلوچی در مدارس بود. این گروه کمونیست، با جمعه‌خان بر سر مسئله استقلال بلوچستان و مبارزه علیه دولت ایران تضاد داشت.

در اوایل پیروزی انقلاب اسلامی ایران از میان بلوچ‌ها تنها حزب اتحادالمسلمین به رهبری مولوی عبدالعزیز ملازاده مورد حمایت مردم قرار گرفت که فاقد گرایش سوسیالیستی بود. رهبر این حزب تلاش می‌کرد نسبت به جمهوری اسلامی از خود گرایش مثبت نشان دهد، ولی به مرور زمان این حزب و رهبری آن از نظام اسلامی فاصله گرفت. استان سیستان و بلوچستان به علت مرز مشترک با افغانستان بستر مناسبی را برای تهیه و توزیع مواد مخدر فراهم آورده است و این موضوع، یکی از چالشی‌ترین مسائل امنیتی، اجتماعی و سیاسی این منطقه می‌باشد.

۲-۴. یافته‌های میدانی

نگاهی به یافته‌های پژوهش بر اساس مفروض‌های بیان شده و دیدگاه‌های صاحب‌نظران، مؤید این گزاره است که بزرگ‌تر دیدن آسیب‌ها تابعی از تلقی از محرومیت است. جدول زیر معرف این امر است.

جدول شماره ۱. احساس برخورداری در میان اقوام

کل	استان محل سکونت				محروم	سطح توسعه
	سیستان و بلوچستان	خوزستان	کردستان	آذربایجان شرقی		
۶۹۲	۱۸۱	۱۷۴	۲۶۹	۶۸	محروم	
۶۰۹	۱۲۴	۱۸۵	۱۰۶	۱۹۴	به نسبت برخوردار	
۲۴۵	۸۶	۲۳	۱۰	۱۲۶	برخوردار	
۱۵۴۶	۳۹۱	۳۸۲	۳۸۵	۳۸۸	کل	

با توجه به جدول بالا می‌توان اظهار داشت که به ترتیب آذربایجانی‌ها، خوزستانی‌ها، سیستانی‌ها و بلوچستانی‌ها و سرانجام، گُردها خود را به‌نسبت برخوردار از امکانات می‌دانند.

به لحاظ توانمندی‌ها نیز دیدگاه‌های پاسخگویان نشان می‌دهد که تفاوت‌های قومی، تفاوت‌های توانمندی را نیز رقم زده است. این توانمندی‌ها و قابلیت‌ها از جنبه‌های زیر مورد ارزیابی قرار گرفته است:

- (۱) توان رزمی،
- (۲) تسلیحات برای مقابله،
- (۳) امکان و توان اقتصادی،
- (۴) امکانات بهداشتی و درمانی،
- (۵) پشتیبانی رزمندگان.

میانگین ارزیابی توانمندی‌ها به شرح زیر است:

جدول شماره ۲. ارزیابی توانمندی‌ها در برابر تهدیدها

ردیف	قابلیت‌ها	آذربایجان شرقی	کردستان	خوزستان	سیستان و بلوچستان	کل کشور
۱	توان رزمی	۳	۳	۳	۳	۳
۲	تسلیحات برای مقابله	۳	۱	۱	۱	۱/۲۵
۳	امکان اقتصادی	۳	۱	۳	۴	۲/۷۵
۴	امکانات بهداشتی و درمانی	۳	۳	۳	۱	۲/۵
۵	پشتیبانی رزمندگان	۴	۳	۴	۴	۴/۲۵
	کل استان	۳/۲	۲/۲	۲/۸	۲/۶	۲/۷

با توجه به اطلاعات به دست آمده، به لحاظ آمادگی و برخورداری از توانمندی‌ها و قابلیت‌ها برای مقابله با تهدیدها، استان‌های آذربایجان شرقی، خوزستان، سیستان و بلوچستان و کردستان به ترتیب از بیشترین و کمترین آمادگی برخوردارند.

بر اساس همین یافته‌ها، بالاترین میزان تمایل به گذشتن از منافع قومی در برابر منافع

ملی در نزد اقوام مورد مطالعه به ترتیب عبارت است از:

(۱) آذربایجان شرقی،

(۲) سیستان و بلوچستان،

(۳) استان خوزستان،

(۴) استان کردستان.

میانگین کل نشان می‌دهد که این تمایل در کل کشور در حد بالای متوسط به سمت

زیاد است و گرایش در سطح «به نسبت خوب» قابل ارزیابی است.

جدول شماره ۳. ارزیابی میزان تمایل برای مشارکت در مقابله با تهدیدهای دشمن

سیستان و بلوچستان	خوزستان	کردستان	آذربایجان شرقی	نقش آفرینی و طلایه‌داری برای مقابله با تهدیدها
۴	۵	۴	۵	به نظر شما نقش آفرینی قوم شما برای ورود به مقوله مقابله با تهدیدهای دشمن به چه میزان ضروری است؟
۵	۵	۴	۵	آیا قوم شما می‌تواند طلایه‌دار سازماندهی مقابله با تهدیدهای دشمن باشد؟
۴	۴	۴	۴	در صورت پاسخ مثبت، میزان توانایی قوم خود را در سازماندهی مقابله با تهدیدهای دشمن چگونه ارزیابی می‌کنید؟

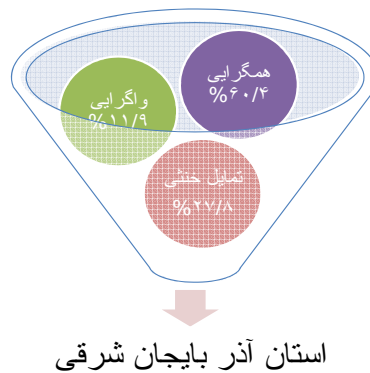
بر اساس داده‌های جدول بالا، بیشترین تمایل به مشارکت برای مقابله با تهدیدهای

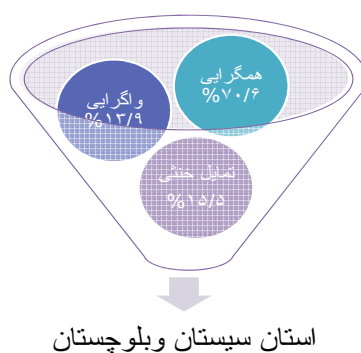
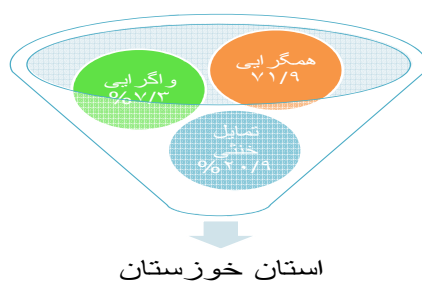
دشمن نزد جامعه قومی به ترتیب زیر است:

- (۱) استان خوزستان،
- (۲) استان سیستان و بلوچستان،
- (۳) استان آذربایجان شرقی،
- (۴) استان کردستان.

بر اساس یافته‌های تحقیق، در کل کشور، تمایل برای مقابله با تهدیدهای دشمن در شرایط بحران به میزان «زیاد» و «خیلی زیاد» (بالای حدمتوسط) وجود دارد. همین امر بر اساس میزان همگرایی و یا واگرایی به دست آمده مورد ارزیابی قرار گرفته است. تصویر وضعیت ارزیابی جامعه قومی از تعامل با حاکمیت یا مدیریت کلان کشور در مقابله با تهدید و مواقع بروز بحران به شرح زیر است:

نمودار شماره ۱، ارزیابی جامعه قومی در تعامل با حاکمیت





نتایج نشان می‌دهد، به لحاظ بیشترین تمایل برای مقابله با تهدید دشمن در هنگام بروز بحران، آمادگی استان‌ها به ترتیب عبارت است از:

- (۱) استان خوزستان،
- (۲) استان آذربایجان،
- (۳) استان سیستان و بلوچستان،
- (۴) استان کردستان.

گفتنی است که استان خوزستان با حدود ۷۱/۵ درصد بالای حد متوسط بیشترین مشارکت را اعلام نموده است. (یکی از جلوه‌های این امر، تجربه ۸ سال دفاع مقدس و ورود عینی و عملی این استان و قوم عرب به عرصه مقابله با دشمن بوده است.) در خصوص میزان اعتماد اقوام به حاکمیت نیز استان‌های زیر به ترتیب براساس بیشترین نسبت بالای حد متوسط قرار دارند:

- (۱) استان سیستان و بلوچستان،
- (۲) استان آذربایجان شرقی،
- (۳) استان خوزستان،
- (۴) استان کردستان.

به جز استان کردستان که نسبت اعتماد جامعه قومی زیر حد متوسط حدود ۵۴ درصد است، سایر استان‌ها میزان اعتمادشان بالای حد متوسط یعنی زیاد و خیلی زیاد بوده و سهم بیشتری را به خود اختصاص داده‌اند. بنابراین، تفاوت زیادی بین استان‌های سیستان و بلوچستان، آذربایجان شرقی و خوزستان وجود ندارد.

نتیجه‌گیری

با توجه به یافته‌های تحقیق و چارچوب نظری بحث می‌توان اظهار داشت که عناصر اجماع مورد تأکید از منظر صاحب‌نظران، در جوامع قومی مورد مطالعه، سه مقوله «مذهب»، «زبان» و «نظام تقسیم کار» است که بر اساس آن، جامعه قومی را تبیین می‌نماید. نگاهی به تمایل‌های جوامع قومی مورد مطالعه نشان می‌دهد که همه آنها همزمان با داشتن تعلقات قومی، به فرهنگ انسجام‌بخش ملی و عناصر مربوط به آن پایبندند.

وجود تهدید خارجی و یا حضور بیگانه و یا تهاجم دشمن عامل انسجام‌بخش جامعه قومی برای مقابله با تهدیدها و همگرایی با حاکمیت برای حفظ امنیت جامعه و حفظ ثبات است. این امر از ابعاد مختلف، در عین تعهد ملی و اعتماد ملی جامعه قومی، عرصه‌های مختلف مشارکت را مورد تبعیت قرار داده و قابلیت‌های مختلف برای مقابله با تهدیدهای دشمن را به خدمت خواهد گرفت.

توان رزمی، استفاده از امکانات اقتصادی، به خدمت‌گیری تسلیحات برای مقابله و بسیاری دیگر از موارد، از عناصر همگرایی با حاکمیت برای مقابله با تهدیدهای دشمن تلقی می‌شود.

در پایان، در راستای تقویت همگرایی اقوام و نقش‌آفرینی فزاینده آنها در ساختار دفاعی کشور پیشنهادهای زیر ارائه می‌گردد:

(۱) تأکید بر پیوند میان ارزش‌های دینی و منافع ملی در چارچوب قانون اساسی که در بردارنده منافع همه قشرها و اقلیت‌های کشور مبتنی بر ارزش‌های بنیادی دینی است.

(۲) در هنگام بروز پدیده‌های گسترده و فراگیر سیاسی، اجتماعی، امنیتی و دفاعی، حفظ منافع ملی در اولویت درجه نخست قرار دارد. مناسب‌ترین رویکرد، تأکید بر کارکردهای ملی و انسجام ملی است.

(۳) مقبولیت و کارآمدی سیاست‌های نظام در گرو ایجاد فرصت‌های برابر در همه عرصه‌ها، از جمله اشتغال و کسب علم برای آحاد جامعه، بدون توجه به وابستگی‌های قومی آنان می‌باشد.

(۴) آگاه‌سازی افکار عمومی نسبت به تفوق پیوندهای دینی بر پیوندهای قومی و زبانی در راستای تحکیم وحدت و حاکمیت ملی،

(۵) تأکید بر نقش و اهمیت اقوام مختلف در تحولات مثبت داخلی و دفاع از کشور و داشتن خاطرات و تجارب مشترک تاریخی مانند مشروطه، انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی و وفاداری بسیاری از اقوام به مرکز با توجه به ارزش‌های اسلامی و ایرانی.

(۶) اعمال عدالت اجتماعی و رأفت اسلامی نظام با اقلیت‌ها و رعایت حقوق و آزادی‌های اجتماعی و مدنی اقلیت‌های قومی در برابر قانون اساسی (مقبولیت سیاست‌های نظام در مورد اقلیت‌ها).

(۷) ارزشمند دانستن وجود سرمایه‌های اجتماعی از قبیل وفاق ملی، انسجام اجتماعی، ارزش‌های دینی و... در راستای بالا بردن روحیه ملی با افزایش اعتماد عمومی به جامعه قومی در عین حفظ اصالت، آداب و رسوم محلی،

(۸) فضاسازی مناسب برای پذیرش و باور عدم وجود تبعیض و حذف فضای ذهنی محرومیت و جایگزین ساختن آن با باور محرومیت‌زدایی.

Archive of SID

منابع و مآخذ

۱. قران کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. آواستی، اس. اس (۱۳۸۶)، *ساختار سیاسی هند*، ترجمه محمد آهنی امینه، چاپ اول، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
۴. ابوالفتح، امیرعلی (۱۳۸۷)، *برآورد استراتژیک ایالات متحده آمریکا*، مترجم آرزو قلی‌پور، چاپ دوم، تهران، انتشارات مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
۵. اتابکی، تورج (۱۳۷۲)، ملیت، قومیت و خودمختاری در ایران معاصر، *فصلنامه گفت‌وگو*، شماره ۳.
۶. احمدی، حمید (۱۳۸۶)، *قومیت و قوم‌گرایی در ایران: از افسانه تا واقعیت*، چاپ ششم، تهران، نشر نی.
۷. افتخاری، اصغر (۱۳۷۸)، ظرفیت طبیعی امنیت، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، شماره ۵ و ۶.
۸. افروغ، عماد و حبیب احمدلو (۱۳۸۱)، رابطه هویت ملی و هویت قومی در بین جوانان تبریز، *فصلنامه مطالعات ملی*، شماره ۱۳.
۹. افشار سیستانی، ایرج (بی‌تا)، *بلوچستان و شهرت دیرینه آن*، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۱۰. امانی، مهدی (۱۳۷۷)، کاربرد زبان‌های محلی در ایران، *نشریه نامه علوم اجتماعی*، شماره ۱۲.
۱۱. امیراحمدی، هوشنگ (۱۳۷۷)، قومیت و امنیت، ترجمه حسن شفیعی، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، پیش شماره دوم.
۱۲. امیراحمدی، هوشنگ (۱۳۸۴)، *ارزیابی دانشگاه‌ها و مؤسسات پژوهشی*، تهران، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.
۱۳. ایوبی، حجت‌ا... (۱۳۷۷)، شکاف‌های قومی و خشونت در پیکارهای سیاسی، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، پیش شماره اول.
۱۴. عبداللهی، محمد (۱۳۷۷)، بحران هویت، هویت جمعی و مکانیسم تحول آن در ایران، *نامه انجمن جامعه‌شناسی ایران*، شماره اول.
۱۵. قدسی، امیر (۱۳۸۹)، جایگاه اقوام در سازماندهی سیاسی فضا، *فصلنامه انسان و فضای جغرافیایی*، دانشکده جغرافیا دانشگاه تهران، شماره سوم.
۱۶. گودرزی، حسین (۱۳۸۵)، *مفاهیم بنیادین در مطالعات قومی*، تهران، انتشارات تمدن ایرانی.
۱۷. محمدزاده، حسن (۱۳۸۰)، *تأثیر تمرکززدایی بر قوم‌گرایی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، تهران، دانشگاه علامه طباطبایی.

۱۸. مرشدی، علی (۱۳۸۳)، *روشنفکران آذری و هویت ملی و قومی*، چاپ دوم، تهران، نشر مرکز.
۱۹. مقصودی، مجتبی (۱۳۸۲)، *قومیت‌ها و نقش آنان در تحولات سیاسی سلطنت محمدرضا پهلوی*، چاپ اول، تهران، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۲۰. مقصودی، مجتبی (۱۳۷۶)، *ناهمگونی جمعیتی و توسعه ملی در ایران با تأکید بر ناهمگونی قومی*، تهران، مؤسسه مطالعات ملی.

Archive of SID